

بررسی احکام فقهی تجسس با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره)

سیدجعفر حسینی^۱، رحیم وکیلزاده^۲، حسن موثقی^۳

چکیده

زمینه و هدف: یکی از محرمات دین اسلام، تجسس پیرامون اسرار مردم است به این معنا که هیچ‌کس حق ندارد در مسائل داخلی و اسرار شخصی افراد و اموری که مردم تمایل دارند، پنهان بماند تتبع و تفحص کند. ماهیت و احکام شرعی تجسس یکی از مباحث مهم اخلاقی برای همه مردم جامعه اسلامی و به‌خصوص برای افرادی است که لازمه شغل آنها، تجسس است، مثل نیروهای امنیتی و اطلاعاتی. واژه تجسس در لغت از ماده جس به معنای جستجو برای دستیابی به اسرار و عیوب پنهان دیگران آمده است که جنبه شخصی دارد. این پژوهش با هدف «بررسی تجسس و مبانی فقهی آن، برای رفع برخی شبهاتی که در استفاده از این شیوه، دامن‌گیر نیروهای حفاظتی و اطلاعاتی است»، انجام گرفت.

روش‌شناسی: در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی (اسنادی و کتابخانه‌ای) و تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس مبانی نظری، ضمن تبیین مفاهیم احکام فقهی تجسس و نقش آن در سازمان، با ارائه ویژگی‌های تجسس‌های امنیتی و اطلاعاتی درصدد پاسخگویی به این سؤال‌هاست که آیا تجسس در اسلام حرام است یا جایز؟ یا لازم و واجب؟ نظر امام خمینی (ره) در مورد تجسس چیست؟

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد تجسس در آموزه‌های اسلامی به انواعی تقسیم شده و هرکدام احکام جداگانه‌ای دارد. تجسس در مسائل شخصی و مسایل عقیدتی فی‌نفسه مذموم و فعلی حرام است؛ در خصوص مسائل اجتماعی و عمومی به خاطر جلوگیری از ورود ضرر و زیان به افراد و نهادهای حکومتی، امری جایز بوده و در ارتباط با مسائل امنیتی برای حفظ نظام اسلامی و تأمین امنیت اجتماعی، امری واجب و لازم است.

کلیدواژه‌ها: احکام فقهی، اسرار، امام خمینی (ره)، تجسس، قرآن، روایات.

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی.

۳. دانشیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

یکی از محرمات مسلم در اسلام، تجسس و تفتیش در اسرار مردم است (احمدی میانجی، ۱۳۷۴: ۱۳۳) تجسس از جمله مباحث مهم اخلاقی در جوامع امروزی است که برخی از اشخاص به منظور سرکشی و کنجکاوی و برخی هم به لحاظ انجام وظایف اداری خود، دچار آن هستند، مثل نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و حراستی. تجسس، یعنی تلاش برای دستیابی به اسرار و عیوب پنهان دیگران. تجسس در شرایط عادی از نظر اسلام دارای حرمت است و تمام عقول انسانی و مکاتب فکری بشری هم آن را تقیح می‌کنند؛ اما نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به جهت ذات کار خود، انتخابی جزء توسل به تجسس ندارند. اهمیت این موضوع بدان جهت است که در مسائل امنیتی و اطلاعاتی باید به گونه دیگری عمل کرد که از یک طرف پرهیز از ارتکاب محرمات سرلوحه کار قرار گیرد و از طرفی بنا به مقتضیات و شرایط از غافلگیر شدن توسط دشمن نیز جلوگیری کرد. فعالیت نیروهای امنیتی و اطلاعاتی علی‌الاصول به شکل پنهانی است و کار پنهانی این نیروها تجسس است؛ به عبارت دیگر هرچند در فقه اسلامی اصل بر حرمت تجسس است؛ اما از آنجایی که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات بوده و دولت اسلامی برای صیانت از آن ناگزیر باید از وضع دشمنان خارجی و داخلی کسب اطلاعات کند، مجبور به تجسس و تفتیش می‌گردد و ضرورت نیز ایجاب می‌کند که اگر وفقه یا خللی در اجرای فعالیت‌های اطلاعاتی پیش آید ممکن است ضرر و زیان‌های حتی جبران‌ناپذیری بر امت اسلامی وارد آید؛ بنابراین با توجه به اهمیت و نقش تجسس در حراست از نظام اسلامی و حفظ امنیت جامعه مسلمانان، این سؤال‌ها مطرح می‌شود که موارد حرمت، جواز و وجوب تجسس درآموزه‌های اسلامی کدام‌اند؟ آیا نیروهای حفاظتی و اطلاعاتی مجاز به انجام تجسس هستند؟ نظر امام خمینی (ره) در

مورد تجسس چیست؟ پاسخ به این سؤال‌ها به تبیین دقیق‌تر موضوع تجسس می‌انجامد. ما در این پژوهش با روش تحقیق کیفی با استفاده از مطالعه و تحلیل اسنادی، در صدد هستیم به بررسی تجسس و مبانی فقهی آن با رویکردی بر نظر حضرت امام خمینی (ره) پردازیم تا برخی شبهات که در استفاده از این شیوه دامن‌گیر نیروهای حفاظتی و اطلاعاتی است از آنها گرفته شود و برای آنها مشخص شود که در استفاده از تجسس در چارچوب احکام اسلامی مجاز هستند.

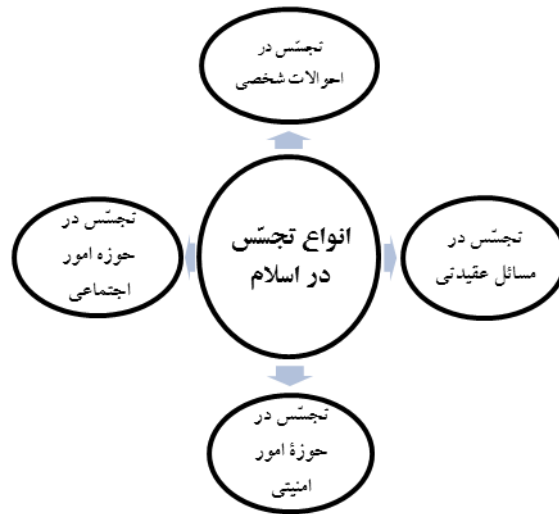
معنای تجسس: تجسس از ماده جسّ در لغت به معنای پژوهیدن، خبر جستن، پژوهش، جستجو (معین، ۱۳۸۷: ۳۰۱) و دست‌زدن، با دست لمس‌کردن، با دست معاینه‌کردن، بررسی‌کردن، تحقیق‌کردن، خبرجویی (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۸۵) و کنکاش، کنجکاوی، تفحص آمده است. جاسوسی هم از این ماده است. فقها، علمای اخلاق و مفسران بسیاری به تعریف اصطلاحی تجسس پرداخته‌اند، مرحوم شهید ثانی در این زمینه می‌گوید: «معنی تجسس این است که بندگان خدا را زیر پرده ستاریت پروردگار رها نکنی و پرده از روی کار آنان برداری و آنچه را که خداوند پوشیده داشته است، آشکار کنی که این کار وسیله کسب اطلاع از امور مخفی آنها و پرده برداشتن از روی اسرارشان می‌شود و در نتیجه آنچه بر تو پوشیده بود، آشکار می‌گردد که اگر مخفی بود دل و دینت سالم‌تر می‌ماند.» (مهدوی‌کنی، ۱۳۷۶: ۱۶۳).

ابن‌اثیر نیز می‌نویسد: «تجسس، جستجوکردن از چیزهای پنهانی است و بیشتر در کشف امور شری که مخفی هستند استعمال می‌شود و جاسوس به کسی گفته می‌شود که بدی‌های پنهان مردم را پی‌گیری می‌کند» (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: لغت جسس) علامه محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه دوازده سوره حجرات «وَلَا تَجَسَّسُوا»، مراد از تجسس را تتبع و تفحص از امور مخفی و مستور مردم برای اطلاع‌یافتن از آنها می‌داند (طباطبائی، ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۱۸: ۳۲۳)؛ برخی از فقهاء نیز تجسس را این‌چنین تعریف کرده‌اند: «تجسس بیشتر در کشف امور پنهانی استعمال می‌شود که انسان‌ها را رضی به کشف آن نیستند. جاسوس کسی است که امور نهانی مردم را بداند و

پنهانی‌های مردم بیشتر نقاط ضعف و رفتارهای ناپسند آنهاست که آشکار شدن هر یک از آنها موجب کوچکی و پستی آنان می‌شود.» (سبحانی، ۱۳۷۰: ۶۳۸).

واژه دیگر که مترادف تجسس است، «تحسس» است. تحسس نیز از ماده حسن در لغت به همان معنای تجسس است منتهی کاربردش در امور علنی است؛ به عبارت دیگر تجسس در امور شر و پنهانی به کار گرفته می‌شود و تحسس در امور خیر و آشکار؛ برای مثال: وقتی دشمن توطئه‌ای می‌کند و ما می‌خواهیم آن را کشف کنیم این یک امر پنهانی است، اینجا تجسس به کار می‌آید؛ اما اگر فرزند کسی گم شده باشد و او درصدد یافتن آن باشد چون این یک امر ظاهری و آشکار است؛ بنابراین در اینجا واژه تحسس به کار گرفته می‌شود؛ مانند: «... فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ»، (یوسف: ۸۷) «... از برادران یوسف خواسته شد که بروند و تفحص کنند تا شاید یوسف را پیدا کنند.» تحسس کرد؛ یعنی به گفتار مردم گوش داد تا اخبار سری آنها را به دست آورد (اگر نیت خیر داشته باشد) و تجسس گویند، در صورتی که نیت شر داشته باشد در ماده جس، ابن منظور در کتاب لسان العرب می‌گوید: «التجسس بالجيم: التفتيش عن بواطن الامور و اكثر ما يقال في الشر و الجاسوس و صاحب الشر» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۲: ۲۸۳) تجسس باجیم تفتیش کردن از باطن کارهاست و اغلب در امور شر استعمال می‌شود. همچنین گفته شده است تجسس، تفحص برای دیگری است و تحسس کاوش برای خویش است یا اینکه تجسس، جستجو از عورات و عیوب مردم است، ولی تحسس گوش دادن و شنیدن حدیث قوم است. صاحب مجمع البحرین در تعریف تجسس آورده است: «تجسس به معنای تفتیش از باطل امور و تتبع و جستجوی خبر است که بیشتر در مورد شر به کار می‌رود.» (طریحی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۴: ۵۷).

انواع تجسس: تجسس در آموزه‌های اسلام در یک تقسیم‌بندی به چهار بخش منقسم می‌شود: تجسس در ارتباط با احوالات شخصی، تجسس در ارتباط با مسائل عقیدتی، تجسس در حوزه امور اجتماعی - عمومی و تجسس در حوزه امور امنیتی (دربندی، ۱۳۹۰: ۶) که ذیلاً به تبیین آنها می‌پردازیم.



نمودار انواع تجسس در اسلام

تجسس در احوالات شخصی: محدوده تجسس در احوالات شخصی، فرد و خانواده فرد است؛ به عبارت دیگر منظور از این نوع تجسس، تفحص در اموری است که به فردی و خانواده شخص مربوط می‌شود، نه به حوزه اجتماعی یا سیاسی. اگر کسی بخواهد در ارتباط با مسائل شخصی و خانوادگی فرد به هر دلیل تجسس کند، اسلام چنین اجازه‌ای را به احدی نداده است. بی‌شک تجسس در حالات خصوصی مردم و تفتیش درباره اسرار نهانی آنها کاری مذموم و ناپسند است (الواری و صابری، ۱۳۸۷: ۳۳) قرآن کریم در سوره‌ای که بنای آن بر ارائه یک سلسله دستورات اخلاقی-اجتماعی است، در جمله‌ای کوتاه می‌فرماید: «و لا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) و با این کلمه، تجسس را به عنوان یک ضدارزش، مورد نکوهش و نهی قرار می‌دهد (رضوان‌طلب، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۱)؛ ولی در موردی که مسائل شخصی مقدمه کار امنیتی واقع گردد، تجسس بحث علیحده‌ای دارد با عنوان ثانوی، مانند خوردن گوشت میت است در حال گرسنگی که ناچاراً لقمه‌ای برای حفظ جان خورده می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱۵: ۱۹) البته باید به این نکته توجه داشت که جواز تجسس در این چنین موارد هم در حد ضرورت است (به میزانی که درکار مد نظر ما ضرورت وجود دارد) همان

اندازه تجسس جائر خواهد بود و مازاد بر آن حد یا در مواردی که در آن هدف دخالت ندارد، تجسس، حرام است حتی اگر این تجسس برای حفظ مصالح عمومی جامعه لازم باشد. میرسیدعلی حائری می‌گوید: «و لاتجسسوا» به معنای این است که دنبال لغزش‌های مؤمنان نروید و از عیوب مسلمین که آنها را پوشانیده‌اند بحث نکنید. (حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰۰) به جرئت می‌توان گفت که قوانین الهی بسیار بیش و پیش از سایر نظام‌های حقوقی به حریم خصوصی افراد بها داده و به آن پرداخته‌اند. در حالی که نظام‌های حقوقی حداکثر از چند سده پیش به این حق توجه کرده‌اند. (ارجینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۴) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.» (نور، ۲۷) «ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر (شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید.» آیات شریفه دیگری که می‌توان درباره حکم تجسس به آنها استناد کرد، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور، آیه ۱۸۹ سوره بقره، آیه ۱۳۴ سوره نساء هستند (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۹۴).

فقهاء نیز در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، مصادیقی از تجسس در مسائل شخصی را چنین آورده‌اند:

الف) استراق سمع و گوش ایستادن، (به عنوان مثال برای تشخیص غناء بودن آهنگی)؛ **ب)** استشمام (مثل استشمام دهان شخصی برای کشف شرب خمر)؛ **ج)** طلب بازرسی از لباس‌ها و آنچه در زیر لباس مخفی کرده است؛ **د)** سؤال از اسرار و عورات (کاشانی، التحفة السنیه: ۲۰۱).

تجسس در ارتباط با مسائل عقیدتی: مراد از تجسس در حوزه مسائل عقیدتی این است که بدون مقدمه درصدد کشف عقاید دیگران برآییم و آنها را از هرگونه عقاید مخالف تخلیه کنیم؛ به عبارت دیگر تجسس در مسائل عقیدتی؛ یعنی تفتیش عقیده دیگران. همان‌طوری که می‌دانیم در اکثر جوامع افراد با عقاید و سلايق مختلف در کنار

هم زندگی می‌کنند و با هم دوست هستند و زندگی مسالمت‌آمیزی دارند، بنابراین ضرورتی ندارد که انسان تفتیش عقیده کند چون چه بسا اگر بفهمد افکارش با آن شخص ناهمگون و ناسازگار است ارتباطش تیره شود و دوستی‌ها به هم خورد. از جمله مواردی که از تجسس در آن نهی شده است، تجسس از عقیده یا نفاق فردی است که اقرار به شهادتین کرده است: «و يَتَحَقَّقُ الْإِسْلَامُ بِقَوْلِ شَهِدٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ... وَلَا يَتَجَسَّسُ عَلَيْهِ فِي أَنَّهُ مُعْتَقِدٌ أَوْ مُنَافِقٌ»؛ (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ه.ق، ج ۲: ۳۹۸) «اگر کسی به زبان اقرار به اسلام کند و شهادتین را بگوید، مسلمان است و تجسس در مورد اینکه آیا او با اخلاص شهادتین را گفته یا نفاق داشته است، جایز نیست.»

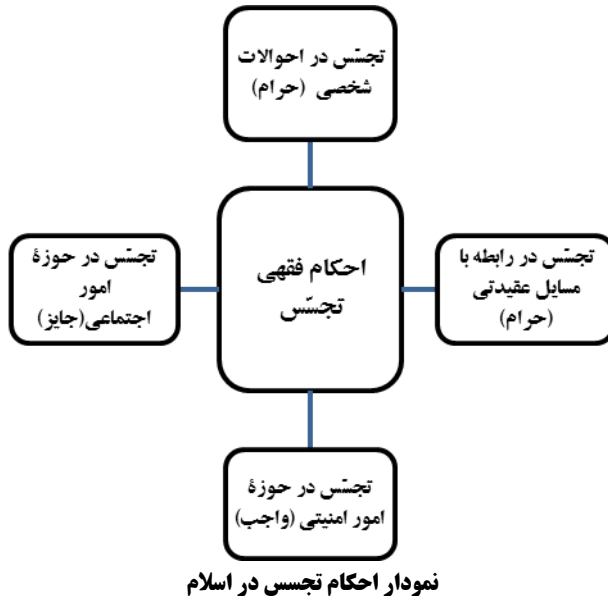
تجسس در حوزه امور اجتماعی و عمومی: نوع دیگر تجسس، تجسس در حوزه امور اجتماعی و عمومی است. مراد از امور اجتماعی، مناسبات فرد با دیگر اعضای جامعه با عنوانی اجتماعی، مانند استاد، دانشجو، کارمند، ارباب رجوع، نانوا، میوه فروش و بقال است (اترک، ۱۳۹۰: ۱۵۵). اگر تجسس از شخص و خانواده شخص بگذرد دیگر به آن تجسس در مسائل شخصی اطلاق نمی‌شود بلکه تجسس، تفحص در امور اجتماعی و عمومی است. منظور از امور عمومی و اجتماعی، مناسبات شخص با دیگر افراد حقیقی و حقوقی جامعه است؛ به عبارت دیگر مسائلی که در ارتباط با موضوع‌های عمومی و اجتماعی بوده و یک انسان با انسان دیگری می‌تواند داشته باشد در حیطه مسائل اجتماعی موضوعیت پیدا می‌کند، مانند مقوله دیده‌بانی اجتماعی و عمومی دولت و پلیس از وضعیت اقشار اجتماعی و محرومیت‌های آنها و تلاش برای انتقال آن محرومیت‌ها به مقامات دولت به خاطر برچیدن آن؛ تحقیق در مورد آسیب‌های اجتماعی مانند علل و عوامل سرقت، کلاهبرداری، طلاق و ...

برخی مسائل شخصی ممکن است تبدیل به مسائل عمومی و اجتماعی شوند و آن زمانی است که از خانواده به جامعه سرایت می‌کند، به عنوان مثال شرب خمر اگر در منزل انجام گیرد یک مسئله شخصی است؛ اما اگر تبدیل به میکده شود و به جامعه

تسری پیدا کند مسئله موضوع عمومی و اجتماعی است؛ بنابراین می‌توان گفت هدف از تجسس اجتماعی کسب اطلاع از چگونگی عملکرد اجتماعی افراد، نهادها و سازمان‌هاست تا طبق آن، راه‌کارهایی برای اصلاح امور اجتماعی مردم ارائه و از فعالیت مفسدان اجتماعی جلوگیری شود (اترک، ۱۳۹۰: ۱۵۵)؛ براساس آنچه پیش‌تر در مورد تعریف تجسس بیان شد، به‌نظر می‌رسد که تجسس در امور اجتماعی امری با ماهیت مخفی و پنهانی نیست و اساساً ماهیت عمومی و اجتماعی دارد که مربوط به ارتباط فرد با اجتماع می‌شود و امری ظاهری و آشکار است؛ بنابراین اگر تفحص در این امور تجسس نامیده شود، شایسته خواهد بود.

تجسس در حوزه امور امنیتی: موضوع تجسس در ارتباط با مسائل امنیتی، فی‌نفسه کشف فرد و مفساد شخصی، کشف عقاید و مسائل اجتماعی نیست بلکه فقط از بعد امنیتی این مسائل را دربر می‌گیرد. حاکم اسلامی در موارد بسیاری می‌تواند در جهت مقاصد حکومت اسلامی به تجسس از حریم خصوصی افراد بپردازد (مشکینی، ۱۳۸۶: ۱۲۹) موضوع تجسس در حوزه امنیتی، کشف جرائم امنیتی است و کشف این نوع جرائم هم با مقدمه سوء ظن و تجسس امکان‌پذیر است. کشف جرائم امنیتی وظیفه سیستم اطلاعاتی هر کشوری است. از وظایف مهم هر دولتی این است کشورش را از شر توطئه‌های دشمنان بیرونی و درونی و جاسوسان دشمن محفوظ بدارد. بی‌تردید اگر مسئولین جامعه بخواهند در برابر مسائل امنیتی با حسن‌ظن برخورد کنند به زودی گرفتار عواقب دردناک توطئه‌های منافقان داخلی و دشمنان خارجی خواهند شد، زیرا نقشه‌های آنان بسیار مرموز و اغلب به شکل پنهانی انجام می‌گیرد و خشتی‌سازی این توطئه‌ها جز با تفتیش و تجسس دقیق امکان‌پذیر نیست.

احکام فقهی تجسس: انواع تجسس در آموزه‌های اسلامی دارای احکام جداگانه‌ای است که ذیلاً به توضیح آنها می‌پردازیم.



حکم فقهی تجسس در احوالات شخصی: از منظر اسلام تجسس در احوالات شخصی و خانوادگی افراد، فعلی حرام است. براساس آیات و روایات گوناگون، اسلام به هیچ کس اجازه تجسس در مسائل شخصی افراد را نداده است. البته اگر مسائل شخصی مقدمه کار اطلاعاتی باشد حکم خاص خود را دارد و بحث خودش را می‌طلبد. حالا سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا اسلام تجسس در مسائل شخصی را حرام می‌داند؟

دلایل متعددی برای حرمت این نوع تجسس وجود دارد:

الف) دلیل اول اینکه: ما با تجسس در مسائل شخصی درصدد کشف گناهی هستیم که فرد آن را را به صورت پنهانی مرتکب شده و نمی‌خواهد دیگری از آن باخبر شود؛ بنابراین تجسس در این نوع، کشف گناه است. همگی می‌دانیم که انسان ممکن‌الخطاست و به غیر از معصومین کسی نیست که مرتکب گناه نشود، منتهی یکی بیشتر و یکی کمتر.

سؤال: اگر تمامی گناهایی که به صورت پنهانی انجام گرفته‌اند، کشف شوند چه اتفاقی پیش می‌آید؟ به نظر می‌رسد روابط اجتماعی برهم می‌خورد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، اگر از درون هم خبردار شویم حتی حاضر نمی‌شویم در یک قبرستان در کنار همدیگر دفن شویم، علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «لَوْ تَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَاغْتُمْ» (قمی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۵۲۲) «اگر عیب‌های هر یک از شما بر دیگری آشکار می‌شد حاضر نمی‌شدید همدیگر را دفن نمایید.»

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من / وین خط مقررط نه تو خوانی و نه من
هست از پس پرده گفتگوی من و تو / چون پرده بر افتد نه تو مانی و نه من
(ابوسعید ابوالخیر)

ب) دلیل دوم اینکه: تجسس در مسائل شخصی آثار سوء مختلفی ایجاد می‌کند. وقتی در مسائل شخصی تجسس می‌کنیم یک سری گناهان دیگری را مرتکب می‌شویم، مثلاً در زمان تجسس غیبت می‌کنیم، با تجسس حرمت افراد را می‌شکنیم و با تجسس باعث ایجاد بدبینی در جامعه می‌شویم؛ بنابراین اسلام به‌خاطر پیشگیری از ارتکاب گناهان بیشتر، برای تجسس در ارتباط با مسائل شخصی حرمت قائل شده است. حدیثی که در بعضی از منابع اهل سنت (کنز العمال) از «ثورکندی» نقل شده شاهد این مدعا است، می‌گوید «عمر بن خطاب» گاهی در شب‌ها برای مسائل امنیتی در «مدینه» گشت می‌زد از درون خانه‌ای صدای مردی را شنید که مشغول آوازخوانی بود، «عمر» از دیوار بالا رفت و گفت که ای دشمن خدا آیا گمان کردی تو مشغول گناهی و خداوند تو را مستور داشته است؟ آن مرد به «عمر» گفت ای خلیفه عجله مکن! اگر من یک گناه کرده‌ام تو سه گناه کرده‌ای، خداوند می‌فرماید: «ولا تجسسوا»، تو تجسس کردی و نیز می‌فرماید: «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»، (بقره، ۱۸۹) تو از دیوار آمدی! و خداوند می‌فرماید: «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا»، (نور، ۲۷) تو بدون اجازه وارد شدی. عمر (در برابر این استدلال) وا ماند (و به او) گفت: اگر تو را مورد عفو قرار دهم به راه راست خواهی آمد؟ گفت: آری، عمر از او صرف نظر کرد و بیرون آمد (متقی هندی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳: ۸۰۸ و قمی شیرازی، ۱۴۱۸ ه. ق: ۵۴۹).

ج) دلیل سوم اینکه: با تجسس در مسائل شخصی صفا و صمیمیت در جامعه از بین می‌رود، تفرقه و اختلاف بین افراد ایجاد می‌شود و برادری و انسجام اجتماعی فرو می‌پاشد؛ یعنی وقتی ما از شخص دیگری عیب‌جویی می‌کنیم او نیز آرام نمی‌نشیند و در صدد عیب‌جویی از ما بر می‌آید. یکی از موارد آزار و رنجش افراد، نقض حریم خصوصی و ورود به لایه‌های پنهان زندگی آنها و تلاش برای سر در آوردن از آنچه در خانه آنان می‌گذرد است در حالی که بر اساس موازین عقلی و نقلی ممنوع و حرام است (سروش، ۱۳۹۳: ۱۹)؛ به عبارتی دیگر با حرمت این نوع تجسس، اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت کامل باشند. بدیهی است اگر به هر شخصی اجازه داده شود که به تفحص دربارهٔ دیگران برخیزد حیثیت و آبروی مردم از بین می‌رود و جهنمی به وجود می‌آید که همهٔ افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود؛ به بیانی دیگر اگر روحیهٔ تجسس در جامعه‌ای رونق پیدا کند، افزون بر آثار منفی فردی، امنیت اجتماعی و روانی افراد جامعه به خطر می‌افتد و اعتماد و دوستی و برادری از جامعه رخت بر می‌بندد.

امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «... مَنْ عَابَ عَيْبَ وَ مَنْ شَتَّمَ أُجِيبَ ...» (کراچکی، ۱۳۶۹ ه. ق، ج ۱: ۲۷۹) «هرکه عیب‌جویی کند عیب‌جویی شود و هرکه دشنام دهد پاسخ شنود.» پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره می‌فرماید: «لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَبَاغِضُوا وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا تَحَسَّسُوا وَ لَا تَنَاجَشُوا وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»؛ (مسلم، ۱۴۱۲ ه. ق، ج ۴: ۱۹۸۵) «نسبت به یکدیگر حسد نورزید و بغض و کینه نداشته باشید و در کار دیگران تجسس و تحسس نکنید و مردم را (با کارهای مختلف خود) از خود نرانید و بندگان خدا و برادران دینی باشید». طبق این فرمایش رسول خدا (ص) تجسس همانند حسد و کینه و نفرت، باعث دوری افراد از یکدیگر و از هم پاشیدن شیرازهٔ جامعه می‌شود.

عیب مردم را مگو ای خود پرست / عیب‌جویی هم به دنبال تو هست

تو عیوب دیگری سازی بیان / دیگری عیب تو آرد بر زبان

گر خردمندی و داری عقل و هوش / تا توانی عیب‌ها را پرده‌پوش

(محمدحسین صغیر اصفهانی)

د) دلیل چهارم اینکه: تجسس در مسائل شخصی باعث شکستن حرمت مؤمن می‌شود و خدا برای این کار عذاب دنیوی و اخروی در نظر گرفته است. خدا دوست ندارد حرمت مؤمن شکسته شود و حرمت‌شکن را عذاب می‌دهد هم عذاب اخروی و هم عذاب دنیوی، خدا با شکستن حرمت‌شکن، در این دنیا او را عذاب دنیوی می‌دهد؛ یعنی همان کاری را که حرمت‌شکن با دیگری انجام داده با او می‌کند.

خدا در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا» (حجرات، ۱۲) این آیه دلالت بر حرمت سوءظن و تجسس در ارتباط با مسائل اخلاقی است. حرمت تجسس اجتماعی است؛ یعنی همه مسلمانان آن را حرام می‌دانند (احمدی میانجی، ۱۳۷۲: ۱۳۳) برخی از فقها در منع تجسس به آیه ۱۹ سوره نور استناد می‌کنند که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، «همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان اهل ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.» (منتظری، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۴: ۲۸۶).

پیامبرگرامی اسلام (ص) در این مورد می‌فرماید: «مَنْ تَتَبَعَ عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۵۵) «لغزش‌های مؤمنان را جستجو نکنید، زیرا هرکه لغزش‌های برادرش را جستجو کند، خداوند لغزش‌هایش را دنبال می‌کند و هرکه را خداوند لغزش‌هایش را دنبال کند، رسوایش می‌سازد، گرچه در درون خانه‌اش باشد.» تجسس، باعث اشاعه فحشا و منکرات می‌شود؛ زیرا شخصی که از لغزش‌ها و گناهان دیگران به وسیله تجسس با خبر شده، این ضعف‌ها را در اختیار افراد دیگر می‌دهد و با اینکه ممکن است قصد سوئی نداشته باشد، باز هم نمی‌تواند برای همیشه راز دیگران را خود نگهدارد. پیامبر اکرم (ص) در بیانی دیگر می‌فرماید: «شَرُّ النَّاسِ الظَّانُّونَ وَ شَرُّ الظَّانِّينَ الْمُتَجَسِّسُونَ وَ شَرُّ الْمُتَجَسِّسِينَ الْقَوَالُونَ وَ شَرُّ الْقَوَالِينَ الْهَتَّاكُونَ.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۹: ۱۴۷)

بدترین مردم، بدگمان‌ها و فاسدترین بدگمان‌ها، تجسس‌کننده‌ها و پست‌ترین تجسس‌کنندگان، پرگوترین آنها و بدترین پُرگویان، هتاک‌ترین آنها هستند.

امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر تأکید می‌فرماید: «دورترین و کم‌اجرترین افراد نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به پی‌جویی، کشف و پخش عیوب مردم اقدام می‌کنند. همانا در مردم عیوب و لغزش‌هایی است که حاکم در پوشاندن آنها از همه سزاوارتر است. پس عیوبی را که از تو مخفی است مکشوف نکن. همانا وظیفه تو تطهیر جامعه از عیوب و لغزش‌های آشکار است. در مورد لغزش‌های پنهانی، خداوند خود داوری خواهد کرد.» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳) امام صادق (ع) در روایتی از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت فرموده‌اند: «ای کسانی که با زبان، اسلام آورده، ولی ایمان در قلب‌هایتان پابرجا نشده است! مسلمانان را مذمت نکنید و در پی عیوب و امور پنهانی‌شان نباشید، پس هرکس امور پنهانی مسلمانان را پیگیری کند و آشکار سازد، خداوند امور پنهان و زشتی‌های او را آشکار خواهد ساخت و هر کسی که خداوند امور پنهانی او را آشکار سازد رسوایش می‌کند، هرچند کار زشت را در گوشه منزلش انجام داده باشد.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۵۵).

امام خمینی (ره) در مورد تجسس در مسائل شخصی می‌فرماید: «هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت کند و یا نسبت به فردی اهانت کرده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۱۳۰) همچنین آن حضرت در جای دیگری می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی غیور است و هتک مستور مؤمنین و کشف عورات آنها، هتک ناموس الهی است. اگر انسان بی‌حیایی را از حد گذراند و هتک حرمت الهیه کرد، خداوند غیور مستورات او را که به لطف و ستّاریت خود ستر فرموده بود، مکشوف می‌فرماید و هتک مستور آن را می‌فرماید و در بین مردم در این عالم و ملائکه و انبیاء و اولیاء (ع)، در آن عالم مفتضح می‌شود.» (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۳۰۶).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم تجسس در مسائل شخصی را منع کرده و در دو اصل به بازتاب قاعده ممنوعیت تجسس پرداخته است: اصل بیست و دو: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». اصل بیست و پنج: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمه‌های تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و دورنگار، سانسور، مخابره نکردن و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.» (قرائی، ۱۳۹۹: ۴۸) در اصل ۲۲ به حمایت از حریم جسمانی (حیثیت، جان)، حریم مکانی (مسکن) و حریم محل کار (شغل) اشاره شده است البته ایرادهایی هم بر قانون اساسی در زمینه حریم خصوصی از جمله نشناختن حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی، ذکر نکردن آزادی اطلاعات و حمایت نکردن از داده‌های شخصی قابل توجه است (انصاری، ۱۳۸۳: ۳۸)؛ به عبارتی دیگر اصل ۲۲ قانون اساسی هم حریم خصوصی و هم حریم مادی را مد نظر قرار داده است و حقوق را مصداق حریم خصوصی معنوی و مسکن را مصداق حریم مادی بیان کرده است (ارجینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

همچنین اصل ۲۵ هم که یکی از اصول مهم اساسی است به نحو روشن و مشخص به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات پرداخته است (انصاری، ۱۳۸۳: ۳۷) مخاطبان اصل ۲۵ قانون اساسی، هم شهروندان و هم دولت هر دو هستند مثلاً استراق سمع و افشای آن می‌تواند توسط شهروندان نیز صورت پذیرد؛ اما سایر موارد مذکور در اصل ۲۵ جزء اموری است که اصولاً نقض آنها فقط توسط دولت با امکاناتی که در اختیار دارد امکان‌پذیر است. اصل ۲۵ قانون اساسی یکی از اصول مهم برای حفظ حریم خصوصی معنوی اشخاص در جهت تثبیت امنیت اجتماعی است که هرآن ممکن است توسط دولت نقض گردد که متأسفانه به‌جای آنکه قوانین و مقرراتی به منظور نظارت و یا تحقیقات قضایی تصویب گردد، حریم خصوصی اشخاص شکسته شده و این اصل مهم قانون اساسی نادیده گرفته می‌شود. (ارجینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

بنابراینچه گفته شد از نظر دین مبین اسلام، اندیشه امام خمینی (ره) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تجسس در ارتباط با مسائل شخصی دیگران حرام و ممنوع است.

حکم فقهی تجسس در حوزه عقیدتی: تجسس و تفتحص در ارتباط با مسائل عقیدتی فی نفسه از نظر اسلام حرام است، این نوع تجسس؛ یعنی تفتیش عقیده اشخاص. اسلام چنین اجازه‌ای را به احدی نداده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» (بقره، ۲۵۶) مفاد این قسمت از آیه این است که اکراه و اجباری در دین نیست و امور مذهب بر قدرت و اختیار مبتنی است نه بر اجبار. از نتایج زیانبار جستجوگری در احوال خصوصی مردم و تفتیش عقاید دیگران، این است که شخص بی پروا و کنجکاو، دوستان خود را از دست می‌دهد؛ زیرا هیچ دوستی نمی‌پسندد که دیگری در حریم خصوصی‌اش، تفتیش کند و به‌ویژه در پی عقیده‌های پنهانی او باشد.

ما می‌دانیم که بسیاری از مردم عیوب و اشکالاتی در عقیده دارند که هرگاه مخفی بماند و دیگران فقط با نگاه به ظاهر حال وی عمل کنند مؤدت و دوستی مردم با یکدیگر میسر است؛ اما اگر کسی بخواهد در ریشه‌یابی اعمال و رفتار تتبع و تجسس کند، ممکن است نیت‌های نهان عیان گردد که پسندیده نیست. این‌گونه افراد یک جامعه تنها و بدون رفیق می‌مانند. امام صادق (ع) در این زمینه به مسلمانان هشدار می‌فرماید: «لَا تُفْتَسِّ النَّاسَ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَبَقِيَ بِلَا صَدِيقٍ»، (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ۴۳۰) «از دین و آیین مردم پرس و جو مکن (تفتیش عقیده مکن) که بی دوست می‌مانی.»

امام خمینی (ره) در مورد تجسس در مسائل عقیدتی می‌فرماید: «... مردم اندیشه‌شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۹۴) یقیناً به‌نظر آن حضرت آزادی عقیده تا جایی ادامه دارد که موجب ضرر و زیان به جامعه و آحاد مردم جامعه نگردد و اگر برای توطئه‌ها باشد قطعاً محدودیت‌هایی برای آن اعمال خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تفتیش عقاید را منع کرده است. بر اساس اصل بیست و سوم این قانون: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف

داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» این اصل یکی از اصول مهم قانون اساسی در زمینه تضمین حقوق شهروندان است. بر اساس این اصل، اشخاص حق دارند در درون خود، هر نوع عقیده و برداشتی نسبت به مذهب، سیاست، اخلاق و... داشته باشند. یقیناً جای عقیده در حیطة پنهانی وجود انسان قرار دارد و راه‌بردن به چند و چون آن سخت و گاهی غیرممکن است.

البته باید دقت کرد که داشتن اعتقاد و باور با اعلام و آشکار ساختن آن متفاوت است. آزادی عقیده به معنای آزادی ابراز و بیان آن نیست. دامنه آزادی بر هرگونه باور و عقیده، فقط ناظر به وجود این عقاید در اندرون و اندیشه افراد است و بالطبع تا موقعی که در این حد و اندازه وجود داشته باشد و در بیرون نمود پیدا نکند، هیچ تأثیری در زندگی اجتماعی انسان‌ها ندارد. در غیر این صورت موقعی که بروز و ظهور این نوع اعتقادات با نظم عمومی، اخلاق حسنه و منافع عمومی تعارض پیدا کند، با قیود و محدودیت‌هایی از طرف قانونگذار مواجه می‌شود.

حکم فقهی تجسس در حوزه امور اجتماعی و عمومی: تجسس در ارتباط با مسائل اجتماعی و عمومی از نظر اسلام جایز است؛ اما دلیل جواز این نوع تجسس این است که اگر اشخاص حقیقی و حقوقی در مناسبات خود با دیگر اعضای جامعه سوءظن نداشته باشند و در امور خود بررسی و تحقیق (تجسس) لازم را به عمل نیاورند، فریب می‌خورند و دچار ضرر و زیان می‌گردند؛ بنابراین به خاطر اینکه آنها در مناسبات خود با دیگران دچار ضرر و زیان و خسارت نشوند و فریب نخورند اسلام تجسس در این مسائل را جایز می‌داند. همچنین تمامی حکومت‌ها اعم از حکومت‌های دینی و غیردینی از سویی بر اساس وظیفه ذاتی خود برای اداره جامعه و نیروهای تحت امر خویش و محافظت از مردم خود در برابر خطرهایی است که ممکن است جان و مال آنها را تهدید کند و نظم و امنیت اجتماعی را برهم زند، مجاز به تجسس و بازرسی و تحقیق در مسائل اجتماعی هستند و از سویی دیگر برای توسعه در حوزه‌های مختلف اجتماعی و عمومی لازم است مراکز دیده‌بانی را راه‌اندازی کنند تا این‌گونه مراکز،

به‌عنوان رصدکننده تحولات اجتماعی و واسط بین نظام حاکم و مردم، به بررسی، تفحص و تجسس از وضعیت اقشار اجتماعی و محرومیت‌های آنها پرداخته و با آسیب‌شناسی دقیق برای انتقال آن فقر و محرومیت‌ها به مقامات حکومت تلاش کند.

امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «در زمانی که صلح و نیکی بر جهان حاکم شود و زمان و اهلش را فراگیرد حسن‌ظن اجتماعی خوب است ولی زمانی که تبهکاری و فساد زمان و اهلش را فرا گیرد اگر مردی به دیگری خوش‌بین باشد خود را به فریب انداخته است.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۱۱) صاحب تفسیر روح‌البیان از کتاب نصاب‌الاحتساب در این خصوص نقل می‌کند: «وَ يَجُوزُ لِلْمُحْتَسِبِ أَنْ يَتَفَحَّصَ عَنْ أحوالِ السُّوقِيَّةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُخْبِرَهُ أَحَدٌ بِخِيَانَتِهِمْ فَإِنْ قِيلَ: يَنْبَغِي أَنْ لَا يَجُوزَ لِأَنَّهُ تَجَسُّسٌ مِنْهُ فَنَقُولُ: التَّجَسُّسُ طَلَبُ الْخَبَرِ لِلشَّرِّ وَالْأَذَى وَ طَلَبُ الْخَبَرِ لِلْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَيْسَ كَذَلِكَ فَلَا يَدْخُلُ تَحْتَ النَّهْيِ»؛ (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۴: ۲۱۳) «برای محتسب، بدون اینکه کسی گزارش داده باشد، جایز است از وضع و احوال بازاریان تفتیش کند و اگر گفته شود که ممکن نیست تفحص جایز باشد، زیرا تجسس است و از آن نهی شده، در جواب می‌گوییم: تجسس آن است که برای ایجاد شر و اذیت مردم خبری را به‌دست آورند و خبری را که برای امر به معروف و نهی از منکر تحصیل می‌کنند شر نیست، پس داخل در مورد نهی نخواهد بود.»

آنچه مربوط به امور عمومی جامعه اسلامی است و مصلحت همه مردم و حکومت اسلامی به آن بستگی دارد، باید براساس قوانین و مقررات اسلام مورد بازرسی و مراقبت قرار گیرد. در نظام اسلامی، سابقه این نوع نظارت به دوران حکومت پیامبر (ص) می‌رسد (قرشی، ۱۳۶۹: ۴۳۵) حضرت امام خمینی (ره) موقعی که احساس کرد جمعی از عوامل اجرایی کشور به بهانه گزینش افراد، به تتبع از لغزش‌های مردم می‌پردازند و در زندگی خصوصی آنان تفحص و تجسس می‌کنند، در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ دستورکاری خطاب به مسئولان نظام صادر کرد و آنان را به شدت از این کار منع کرد. آن حضرت با اعتقاد به جذب نیروی انسانی توانمند، تحصیل‌کرده، خلاق، سخت‌کوش

و دارای روحیه همکاری و تعاون برای ایجاد تحول و توسعه اداری کشور، در بند ۲ این فرمان تاریخی، فرمودند: «ستاد موظف است در اسرع وقت دستور دهد تا هیئت‌هایی به جای هیئت‌های منحل از افراد صالح و متعهد و عاقل و صاحب اخلاق کریمه و فاضل و متوجه به مسائل روز تعیین تا در گزینش افراد صالح بدون ملاحظه روابط اقدام کند و گزینش زیر نظر آنها انجام گیرد و دقت شود تا این افراد تنگ‌نظر و تندخو و نیز مسامحه‌کار و سهل‌انگار نباشند و چنانچه قبلاً نیز تذکر داده‌ام میزان در گزینش حال فعلی افراد است مگر آنکه از گروهک‌ها و مفسدین باشند یا حال فعلی آنها مفسده‌جویی و اخلال‌گری باشد...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۲۱۹) امام خمینی (ره) معتقد بودند که استخدام افراد با این رویکرد، موجب بهبود عملکرد نظام اداری شده و به تبع آن، کارآمدی ساختار اجرایی کشور و خدمت‌رسانی مطلوب‌تر به عموم جامعه نیز تضمین می‌شود. پر واضح است که این امر محقق نمی‌شود مگر با وجود نظام گزینشی کارآمد که تمامی مراحل گزینش اعم از تحقیق، بررسی، تجسس و مصاحبه، ارزیابی و... را با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و اخلاقی و روش‌هایی روزآمد و مجهز به دانش روز، به انجام رساند.

حکم فقهی تجسس در حوزه امور امنیتی: دولت اسلامی که مسئولیت نگهداری نظام جامعه مسلمین را دارد، برای انجام رسالت و مسئولیت خود در این زمینه لازم است اخبار و آگاهی‌های کافی را درباره اوضاع دولت‌ها و ملت‌های بیگانه و قرار و مدارها و برنامه‌هایی که بر ضد اسلام و مسلمین دارند به دست آورد. چنانکه باید در گردآوری اخبار و گزارش‌های مربوط به تحرکات آنان و تلاش‌های ایادی و جاسوسانشان و نیز توطئه‌های همه کفار، اهل نفاق، ستمگران و طغیان‌گران، کوشا و جدی باشد. باز بر دولت اسلامی است که دولتمردان بزرگ، کارمندان و مأموران دولتی و اوضاع و احوال توده‌های مردم و نیازمندی‌های همگانی جامعه را تحت نظر و مراقبت دقیق قرار بدهد. عقل سلیم و شرع مقدس هر دو حکم می‌کنند بر اینکه لازم است مصالح عمومی کشور و مردم بر آزادی‌های فردی ترجیح داده شود. چنانکه طبق داوری عقل و شرع، اهتمام به حفظ نظام مسلمین از واجبات مهم است.» (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۴: ۲۹۹-۳۰۰).

براساس ادله احکام در فقه امامیه اعم از آیات و روایات و حکم عقل و سیره معصومین (ع) و اجماع و اقوال بزرگان، تجسس در امور امنیتی و اطلاعاتی مشروع است (برزنونی، ۱۳۹۷: ۲۹) موضوع تجسس در ارتباط با مسائل امنیتی، کشف جرائم امنیتی است و سوءظن و تجسس از ابزار و شیوه‌های اصلی کشف این نوع جرائم هستند. به نوعی که بدون به‌کارگیری آنها کشف جرائم امنیت ممکن نیست؛ بنابراین تجسس در ارتباط با مسائل امنیتی از نظر اسلام یک امر لازم و واجبی است. سه نوع دلیل برای جواز، لزوم و وجوب تجسس در مسائل امنیتی موجود است که نشان از وجوب کشف جرائم امنیتی در مکتب اسلام دارد: بدیهی است که اگر جرائم امنیتی کشف نشود امنیت جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... مورد تهدید واقع می‌شود؛ بنابراین کشف جرائم امنیتی با تأمین امنیت اجتماعی لازم و ملزوم هستند؛ به عبارت دیگر ایجاد امنیت اجتماعی بدون کشف جرائم امنیتی امکان‌پذیر نیست و کشف جرائم امنیتی هم یعنی تجسس.

الف) دلیل اول اینکه: دلیل اول وجوب تجسس در مسائل امنیتی دلیل عقلی است. بدین معنا که اسلام برای امنیت و آرامش جامعه اهتمام ویژه‌ای قائل است و آن را لازمه یک جامعه اسلامی می‌داند. زمینه و بستر اجرای همه احکام و آموزه‌های دینی وجود امنیت است. اسلام به هیچ فردی اجازه نمی‌دهد امنیت جامعه اسلامی را برهم زند چه دشمن داخلی و چه دشمن خارجی. اگر دشمن خارجی بخواهد امنیت جامعه را تهدید کند در آنجا امر بر قتال است: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً»، (بقره، ۱۹۳) «و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود.» اگر دشمن داخلی بخواهد امنیت جامعه اسلامی را برهم بزند در خیلی موارد شدیدتر از دشمن خارجی هم برخورد می‌شود و در فقه با عنوان بغی و باغی^۱، حرب و محارب^۱ و مفسد فی الارض^۲ آمده است؛ بنابراین مسئله مهم، تأمین امنیت اجتماعی است و ایجاد آن ممکن نیست مگر با تجسس؛

۱. هرکس بر امامی که امامت او منصوص است، خروج کند، باغی است و جنگ با او واجب است.

ب) دلیل دوم: دلیل دوم بر وجوب تجسس در مسائل امنیتی، دلایل نقلی است. آیات، احادیث و روایات زیر واجب و لازم بودن این نوع تفحص و بررسی را می‌رسانند. خداوند در قرآن ضمن هشدار به مسلمانان می‌فرماید: «وَ فَيْكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ»، (توبه، ۴۷) «در میان شما جاسوسان دشمن وجود دارند»، یعنی باید با تجسس آنها را بیابید و مراقبشان باشید. پیامبر اکرم (ص) در جنگ جندق به حذیفه فرمودند: «ای حذیفه! برو داخل این قوم (داخل اردوگاه دشمن شو) و ببین چه می‌کنند، حواست جمع باشد و آنچه را که دیدی به کسی نگو تا به من گویی.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۲۷۸).

حضرت علی (ع) در دستورکار حکومتی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ تَقَفَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ»، (نهج البلاغه: نامه ۵۳) «با فرستادن مأموران مخفی که اهل راستی و وفاداری هستند، کارهای آنان را زیر نظر بگیر، زیرا بازرسی مداوم و پنهانی تو سبب می‌شود که آنان به امانتداری و مدارا با مردم ترغیب شوند.»

در سیره جنگی پیامبر (ص) نیز مصادیق متعددی از تجسس وجود دارد. حضرت علی (ع) داستانی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که پیامبر (ص) به ایشان و زبیر و مقداد امر کردند که به مکانی بروند. در آنجا زنی در کجاوه می‌بیند که نامه‌ای با خود دارد. آن نامه را از او بگیرید. حضرت می‌فرماید ما راه افتادیم و به آن نقطه رسیدیم و زنی را در کجاوه یافتیم. گفتیم نامه‌ای را که همراه داری بده. گفت: نامه‌ای ندارم. علی (ع) می‌فرماید: من گفتم یا نامه را می‌دهی یا تو را تفتیش کنیم؟ زن نامه را از لابه‌لای

۱. هرکس برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه برد محارب و مفسد فی‌الأرض است.

۲. هرکس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به‌گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی‌الأرض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

گیسوانش درآورد. نامه را خدمت پیامبر (ص) آوردیم. نامه‌ای بود از حاطب بن ابی بلتعنه به گروهی از مشرکان که در آن اطلاعاتی دربارهٔ پیامبر (ص) به آنها داده بود (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۷۳۰)

حضرت اباعبداله الحسین (ع) هنگامی که آمادهٔ حرکت از مدینه به مکه و از آنجا به سوی کربلا شد، برادرش محمد حنفیه از آن حضرت خواست تا همراه وی باشد؛ اما امام (ع) فرمود: «أَمَّا أَنْتَ فَلَا، عَلَيْكَ أَنْ تُقِيمَ بِالْمَدِينَةِ وَ تَكُونَ لِي عَيْنًا لَا تَخْفَ عَنِّي شَيْئًا مِنْ أُمُورِهِمْ»، (شریف قرشی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۲۶۳) «اما تو همراه من نیا، در مدینه بمان و چشم من در آنجا باش تا چیزی از اخبار آنها (دشمنان) بر من مخفی نماند» در حدیثی از امام رضا (ع) آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَاتَّهَمَ امِيرًا - يَأْتِيهِمْ امِيرًا - بَعَثَ مَعَهُمْ مِنْ ثِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ، (عاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۱: ۴۴) «پیامبر اکرم (ص) هنگامی که لشکری را می‌فرستاد و امیری بر آنها می‌گماشت (که ممکن بود گاهی مورد اتهام واقع شود) همراه او یکی از افراد مورد اعتماد را می‌فرستاد تا اخبار او را جستجو کرده و به رسول خدا گزارش کند.» نتیجهٔ مجموع ادله، آن است که از منظر فقه امامیه تجسس در امور امنیتی به منظور حفظ نظام و کیان اسلام و جلوگیری از تعدی و جاسوسی علیه آن، جایز و در موارد ضروری، واجب است؛ ولی باید در نظر داشته باشیم که تجسس جایز و واجب در حد ضرورت است؛ یعنی به مقداری که در کار مورد نظر ما ضرورت وجود دارد، همان قدر تجسس جایز خواهد بود و بیشتر از آن حد یا در چیزهایی که در آن هدف دخالت ندارد، تجسس، حرام است (احمدی میانجی، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

نظام مردم سالار دینی ایران هم یکی از وظایف اصلی خود را حفظ نظم عمومی و امنیت همه جانبه می‌داند و بی‌تردید، حفظ نظام و امنیت مردم، از اوجب واجبات است (برزنونی، ۱۳۹۷: ۱۷) و همان‌گونه که ذکر شد شرع و عقل نیز به آن حکم می‌کند. امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار این نظام نیز تجسس را در صورتی جایز می‌داند که برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروهک‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی باشد که قصد

براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها را دارند. آن حضرت تنها به شرط مطمئن بودن، تجسس را جایز می‌داند: «اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم. بر همه ما واجب است که نظر کنیم و توجه کنیم و نگذاریم یک همچون غائله‌ای پیدا بشود. حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است. ... جاسوسی فاسد خوب نیست؛ اما برای حفظ اسلام و برای حفظ نفوس مسلمین واجب است، دروغ‌گفتن هم واجب است، شراب خمر هم واجب است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۰۱).

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه به اجمال در خصوص تجسس در منظر فقه اسلامی گفته شد از مفاد و محتوای آیات قرآنی، روایات و دیگر ادله استفاده می‌شود که حکم حرمت تجسس مطلق نبوده و دارای حد و مرز مشخصی است پس نمی‌توان بر تمام مصادیق تجسس حکم حرمت را بار کرد. در بینش اسلامی انسان‌ها دارای کرامت، عزت، حرمت و آبرو هستند و احدی حق هتک آن را ندارد؛ به عبارتی دیگر احترام به دیگران و تجاوز نکردن به حقوق آنها جزء اصول اولیه اجتماعی اسلام است؛ بنابراین بر اساس دیدگاه اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره) (که منبعث از همان احکام الهی است) تجسس در ارتباط با احوالات شخصی افراد و تفتیش عقیده دیگران فی‌نفسه مذموم و فعلی حرام است و احدی حق کنکاش، تجسس و کنجکاوی در زندگی خصوصی و عقاید دیگران را ندارد. چنین کاری در حقیقت اکتشاف عیوب دیگران است و علاوه بر اینکه گناه محسوب شده و مورد رضایت خداوند نیست و دارای عذاب اخروی است، براساس قانون، کیفر دنیوی نیز دارد. بدیهی است که حرمت تجسس در مسائل شخصی و عقیدتی، عامل بازدارندگی مکلفان از جستجوی عیوب دیگران است و همچنین اسلام تجسس در حوزه مسائل اجتماعی را چون مربوط به امور عمومی جامعه بوده و مصلحت همه مردم و حکومت اسلامی به آن بستگی دارد، به‌خاطر جلوگیری از ورود

ضرر و زیان به افراد و نهادهای حکومتی، بر اساس قوانین و مقررات اسلامی، امری جایز می‌شمارد؛ و النهایه براساس آیات الهی، روایات نبی اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و اندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمین (ره) چون یکی از وظایف اصلی دولت اسلامی حفظ نظام و امنیت همه‌جانبه مردم است؛ بنابراین بی‌تردید، تجسس در حوزه امور امنیتی به‌خاطر حفظ نظام اسلامی و تأمین امنیت اجتماعی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... امری لازم و واجب است. البته این نوع تجسس باید توسط اشخاص صالحی صورت پذیرد که مورد اطمینان کامل باشند و ابداً اسرار مردم را فاش نکنند و آبرو و حیثیت افراد را نبرند و بیش از حد لازم و شرایط نیز تجسس نکنند.

منابع و مأخذ

قرآن مجید

نهج البلاغه، (۱۳۸۵). (محمد دشتی، مترجم). قم: انتشارات قدس.

ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهايه في غريب الحديث والأثر* (طاهر احمد الزاوی، محقق)، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۲)، *تحف العقول*، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: نشر آل علی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق)، *لسان العرب*، ج ۲، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

اترک، حسین (۱۳۹۰)، «ماهیت و حکم اخلاقی تجسس»، *فصلنامه معرفت اخلاقی*، ۲ (۴)، صص: ۱۶۵-۱۵۱.

احمدی میانجی، علی (۱۳۷۲)، *لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی*، قم: نشر برگزیده.

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۶)، *وام واژه‌های فارسی در نشوار المحاضره تنوخی* (قرن چهارم) به قیاس وام واژه‌های کهن‌تر، *مجله نامه فرهنگستان*، ۹ (۴)، صص: ۶۷-۴۸. ارجینی، علی؛ جعفر جان احمدی؛ داود بنازاده و زینب عظیمی‌یکتا (۱۳۹۳)، *مبانی احکام حراستی*، ج ۱، قزوین: انتشارات سایه گستر.

امام خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، ج ۲۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خمینی، روح الله (۱۳۹۴)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

انصاری، باقر (۱۳۸۳)، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۶۶ (۰)، صص: ۵۳-۱. برزونی، محمدعلی (۱۳۹۷)، تجسس در امور امنیتی و اطلاعاتی؛ رویکردی فقهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

حائری تهرانی، میرسیدعلی (۱۳۷۷)، مقنیات الدرر، تهران: دار الکتب الاسلامیه. دربندی، محمد (۱۳۹۰، ۱۵ شهریور)، «تجسس؛ حرام و اعتمادسوز»، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۰۱۶، صفحه ۶.

رضوان طلب، محمدرضا (۱۳۹۰)، اطلاعات در اسلام، قم: نشر زمزم هدایت.

سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، مبانی حکومت اسلامی، قم: نشر توحید.

سروش، محمد (۱۳۹۳)، مبانی فقهی حریم خصوصی، تهران: انتشارات سمت.

سلیمانی، مرتضی و یاسر سلیمانی (۱۳۹۴)، «تبیین و بررسی فقهی تجسس در فعالیت‌های اطلاعاتی - امنیتی»، فصلنامه کاوشی نو در فقه، ۲۲ (۲)، صص: ۷۹-۱۰۱.

شریف قرشی، باقر (۱۴۱۳ ه.ق)، حیاة الامام الحسین (ع)، قم: مدرسه علمیه ایروانی.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۲ ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسلامی دفتر جامعه مدرسین.

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق)، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.

عاملی، شیخ حر (۱۴۱۴ ق)، وسایل الشیعه، قم: انتشارات آل البیت لإحیاء التراث.

قرائی، منصور (۱۳۹۳)، هندبوک قوانین حقوقی و کیفری آوا، تهران: انتشارات آوا.

قرشی، باقر شریف (۱۳۶۹)، نظام حکومتی و اداری در اسلام، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- قمی شیرازی، محمدطاهر (۱۴۱۸ ه.ق)، کتاب الأربعین، قم: نشر محقق.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۹۰)، *منتهی الامال*، ج ۲، تهران: مبین اندیشه.
- کاشانی، فیض التحفه السنیه (شرح عبدالله الجزائری)، میکرو فیلم کتابخانه آستان قدس.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *اصول الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۲ ق)، *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کراجکی، محمد بن علی (۱۳۶۹ ه.ق)، *کنز الفوائد*، قم: مکتبه المصطفوی.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹ ه.ق)، *کنز العمال*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه.ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ ه.ق)، *صحیح مسلم*، مصحح محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دار الحديث.
- مشکینی، میرزا علی اکبر (۱۳۸۶)، *مصطلحات الفقه*، قم: نشر الهادی.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: انتشارات فرهنگ نما.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ج ۴، ترجمه ابوالفضل شکوری، تهران: نشر کیهان.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۶)، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ ق)، *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، ج ۱۵، مشهد: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- الواری، غلام و حسین صابری (۱۳۸۷)، «پژوهشی فقهی جزایی در تجسس و تفتیش عقاید»، *فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران*، ۴۱ (۱)، صص: ۲۹-۴۴.